

## "قطعنامه سندیکا‌های سرخ"

۱- در جامعه سرمایه داری بواسطه سطح معیشت بسیار پایین کارگران و تعرض مداومی که از جانب سرمایه داران به آن میشود، کارگران ناگزیر از مبارزه دائمی برای بهبود شرائط فروش نیروی کار خود هستند. مبارزه اقتصادی شکل مقدماتی دائمی و ضروری مبارزه طبقه کارگران است. کارگران در طی مبارزات روزمره برای رفع حوائج فوری خود آبدیده میشوند و بیش از پیش به اشکال گوناگون استثمار سرمایه، به تضاد منافع خود با سرمایه داران، به لزوم مبارزه بر علیه کارفرمایان و به ضرورت اتحاد و همبستگی پی میبرند. کارگران، کارفرمایان و دولت را در این مبارزه و اداره گذشته‌های جزئی خواهند ساخت و این به آنان اهمیت اتحاد، تشکل و مبارزه برای خواسته‌هایشان را نشان میدهد.

۲- اتحادیه‌های کارگری وسیع مناسب ترین تشکیلات طبقه کارگر برای مبارزه بر علیه تجا و زات بی وقفه سرمایه داری به سطح معیشت کارگران و بمنظور هدایت مبارزات اقتصادی بر علیه کارفرمایان و دولت میباشد. در هیچ کجای جهان افزایش همبستگی و تحکیم قدرت پرولتاریا جز از طریق ایجاد و بسط همه جانبه نفوذ و فعالیت‌های اتحادیه‌های کارگری و تأمین پیوندی فشرده میان این اتحادیه‌ها و جنبش کمونیستی صورت نپذیرفته است. در ایران نیز وضع از همین قرار است. اتحادیه‌های کارگری "مکتب کمونیسم" و آموزشگاه مقدماتی و ضروری پرولتاریا برای تدارک موجبات انقلاب اجتماعی بوده و خواهد بود. اتحادیه‌های کارگری همچون حلقه واسط میان کمونیستها و توده‌های وسیع طبقه کارگر بشمار آمده، جنبش کمونیستی برای پیشبرد موفقیت آمیز فعالیت‌های خود در درون پرولتاریا ناگزیر از اتکال بدانها خواهد بود.

۳- مبارزه اقتصادی برای بهبود مداوم وضع توده‌های طبقه کارگر در صورتی موفقیت آمیز خواهد بود که بدرستی با مبارزه سیاسی پرولتاریا مربوط باشد. اتحادیه‌های کارگری اگرچه از لحاظ پیشبرد مبارزات اقتصادی کارگران علیه کارفرمایان و دولت فوق العاده ضروریند، ولی از هیچ رونمایی خود را در چهارچوب مبارزه اقتصادی محدود سازند. اتحادیه‌های کارگری میباید -

بیست نه تنها سنا دمبارزه پرولتاریا برای بهبود شرایط زندگی وی، بلکه علاوه بر آن کانون مبارزه سیاسی وی و همچون ابزاری در راه انقلاب اجتماعی با شناسد .

۴- پیوند نزدیک میان اتحادیه های کارگری و حزب کمونیست و هدایت اتحادیه ها توسط حزب شرط ضروری ارتقاء اتحادیه ها به کانونهای مبارزه سیاسی - انقلابی و ابزار مبارزه در راه انقلاب اجتماعی می باشد. لذا جنبش کمونیستی ایران وظیفه خود میداند که در ایجاد توسط همه جانبه اتحادیه های کارگری و برای پیشبرد مبارزات اقتصادی طبقه کارگر ازبذل بزرگترین مساعی دریغ نورزیده، در همان حال با تبلیغ و ترویج مستمر کمونیستی در میان طبقه کارگر و اتحادیه های کارگری، مبارزه اقتصادی طبقه کارگر را با مبارزه سیاسی مربوط ساخته، اتحادیه ها را یوسایل مبارزه برای نیل به جمهوری دمکراتیک - انقلابی ایران، بعنوان عالیتیرین تدارک برای انقلاب سوسیالیستی و کانون های مبارزه در راه انقلاب سوسیالیستی مبدل سازند .

۵- بدین منظور کمونیستها با بیستی فعالیت خود را با مسائل علمی و روزمره زندگی کارگران بیا میزند و آنان را نسبت به عمده ترین ستمها و اجافات اقتصادی و سیاسی سرمایه داران و دولت واقف ساخته، در تنظیم دقیق تر و عملی تر خواسته های کارگران از کارفرمایان و دولت یا ریشان دهند. بدین ترتیب کمونیستها با بیستی مناسب ترین شیوه ها، اشکال و زمان مبارزه را تعیین نموده و در کلیه مبارزات روزمره کارگران بر سر ساعات کار روزانه، دستمزد، شرایط کار و غیره شرکت ورزیده، آنها را سازماندهی و هدایت نمایند. کمونیستها با بیستی بی حقی کامل کارگران را برایشان آشکار ساخته نمودارهای بیشمار تعدیات پاداران، روحانیون، مزدوران کمپته ها، انجمن های اسلامی، وزارت کار و خانه کارگر و هر قره نوکر برجسته کارفرمایان و حکومت را افشاء نموده به فعالیت برزمینه احتیاجات سیاسی فوری کارگران بپردازند. هیچ مسئله ای در زندگی کارگران خواه در عرصه اقتصادی، خواه در عرصه سیاسی وجود ندارد که نتوان آنرا موضوع تبلیغات کمونیستی قرار داد. چه این وجه آن ضمن روشن ساختن اذهان کارگران آنان را با روح همبستگی

ومبارزه جوئی در راه آرمانهای کمونیستی پرورش میدهد.

۶ - مبارزه‌های که بتوسط اتحادیه‌ها انجام میپذیرد در صورت موفقیت آمیز بودن امتیازاتی را از جنگ طبقات حاکمه بیرون کشیده، کارفرمایان و دولت را وادار به عقب نشینی خواهد ساخت. اینها برای طبقه کارگر ضروری و ارزشمندند ولیکن در همین حال کمونیستها با یستی همواره با فعالیت بی‌امان در جهت توضیح این امر تلاش کنند که مبارزه برای اصلاحات اقتصادی و سیاسی در چهارچوب نظام سرمایه‌داری هیچگاه منجر به رهایی آنان از یوغ سرمایه نخواهد شد و با یستی توده‌های کارگر را به صراحت در برابر این حقیقت قرار دهند که فقط سرنگونی سرمایه‌داری و استقرار دیکتاتور پرولتاریا و کمونیسم میتواند بازمیان برداشتن تقسیم جامعه به طبقات و پیایان بخشیدن بکلیه اشکال بهره‌کشی بخشی از جامعه از بخش دیگر، بشیریت تحت ستیم رارها سازد.

۷ - سرمایه‌داری میان رشته‌های گوناگون اقتصادی ملی را بطنه نزدیک و وابستگی متقابل برقرار ساخته است. این امر امکان مادی نه تنها تشکیل اتحادیه‌های کارگاه و کارخانه جداگانه، بلکه تشکیل اتحادیه‌های حرفه و رشته اقتصادی معین و اتحادیه سراسری طبقه کارگر را نیز کاملاً ملامها نموده است. بدین سبب تشکیل سندیکای کارگاه و کارخانه جداگانه و منفرد، اگرچه از ضرورت تام و تمام برخوردار است ولیکن هیچگاه به تنهایی تکاپوی مبارزات بلاواسطه و روزمره کارگران را ننموده، تشکیل تاخیرناپذیر اتحادیه حرفه و رشته اقتصادی معین و سرانجام اتحادیه سراسری سندیکای کارگران ایران را ایجاب میکند.

۸ - سندیکای رفرمیستی وزردبر ضد منافع طبقه کارگر میباشند. لذا طبقه کارگر به مبارزه برای تشکیل سندیکای سرخ انقلابی دست خواهد زد. تجربه چندین ساله پرولتاریای ایران خیانت‌پیشگی و ماهیت ضدکارگری سندیکای های زرد آریا مهری سابق و سپس سندیکای های سراپا سیاه موسوم به "شورای اسلامی" کنونی را به وی آشکار نموده است. پرولتاریا نمیتواند به این سندیکای ها و سندیکای های رفرمیستی حزب توده که به بهانه‌های از قبیل محاصره اقتصادی و "شرایط جنگی" به تبلیغ "افزایش تولید" و "اضافه کاری

اجباری " پرداختند، طبقه کارگران از مبارزه برای بهبود وضع زندگی خویش بازداشته و در حقیقت ابزار مبارزه سرمایه داران علیه کارگران می‌باشد، تن در دهد. شعار اساسی جنبش کمونیستی در قبال جنبش کارگری جزا یجاد "سندیکا های سرخ و اتحادیه سراسری سندیکا های سرخ ایران" نخواهد بود.

۹- در عین حال کمونیستها خود را موظف میدانند که در هر کجا که سندیکا و یا اتحادیه زردپرفروزی که بخش قابل ملاحظه ای از کارگران را در بر بگیرد، وجود داشته باشد در آن شرکت جویند. کمونیستها در اینگونه موارد به هرگونه فداکاری تن در داده و حتی به هرگونه شیوه فعالیت غیر علنی متوسل خواهند شد. تا بتوانند به این اتحادیه ها راه یافته، در آنها نفوذ کنند و سرانجام فعالیت کمونیستی خود را پیش ببرند. فعالیت کمونیستها در اینگونه سندیکا ها عبارت است از بیرون کشیدن توده های کارگری عضویان اتحادیه ها از زیر سیاست ورهبری فرمیستی و ضد کارگری این اتحادیه ها و جلب آنان به سمت منشور و برنامه عمل سندیکاهای سرخ.

۱۰- هر کارگر کمونیست باید بی دریغ ترین کمکهای خود را در اختیار سازمان سندیکای سرخ قرار دهد ولی در مقابل سندیکای سرخ نبایستی صرفا در بر گیرنده کارگران کمونیست باشد. چرا که در نتیجه این امر قابلیت توده ای - وسیع بودن خود را از دست داده و هدف اصلی تشکیل اتحادیه ها نیز غیر قابل حصول میگردد. سندیکا های سرخ بایستی نه تنها کارگران کمونیست، بلکه کلیه کارگرانی را که بلزوم اتحادیه برای مبارزه علیه کارفرمایان و دولت پی برده باشند در صفوف خود بپذیرد. بدین ترتیب سندیکا های سرخ نیاید از اعضای خود الزام به پیروی از نظریات معین سیاسی را خواستار شوند. در رابطه با مذهب نیز اتحادیه ها باید غیر حزبی باشند. هر قدر دامنه نفوذ سازمان سندیکای سرخ گسترده تر باشد همان قدر نیز نفوذ تاثیرات کمونیستها در طبقه انقلابی وسیع تر خواهد بود.

۱۱- آن برنامه ای که کمونیستها خواهند کوشید در انقلاب حاضر به پرچم سندیکا های سرخ بدل سازند، برنامه حداقل پرولتاریاست. اما با توجه به درجه آگاهی و میزان تجربه مستقیم مبارزاتی توده های وسیع کارگران ایران، منشور برنامه عمل سندیکا های سرخ در حال حاضر نمیتواند بلاواسطه برنامه

حداقل پرولتاریا با شـــــــد .

۱۲- منشور برنامه عمل سندیکا های سرخ در حال حاضر بایستی حاوی مطالبات فوری زیر باشد :

(۱) - کسب حق اعتصاب و آزادی تشکیل اتحادیه های کارگری.

(۲) - آزادی زندانیان سیاسی .

(۳) - انحلال کانونهای ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی موسوم به "انجمن های اسلامی" در کلیه کارخانجات و مراکز کارگری .

(۴) - حداکثر ۸ ساعت کار در روز - دوروز تعطیل در هفته .

(۵) - کاهش روزکار بین ۴ - ۶ ساعت در صناعی که برای سلامتی مضرند (کوره پزخانه ها ، معادن وغیره ) .

(۶) - ۳۰ روز مرخصی سالیانه با پرداخت دستمزد علاوه بر تعطیلات رسمی .

(۷) - تعیین حداقل دستمزد هر کارگر بر مبنای نیازهای یک خانواده ۵ نفری و افزایش آن بر اساس افزایش هزینه های زندگی .

(۸) - مزایا و مدت استراحت حداقل یکساعته در فواصل کار روزانه و احتساب آن جزء ساعات کار کارگران .

(۹) - لغو اضافه کاری .

(۱۰) - احتساب زمان ایاب و ذهاب ، استحمام بعد کار روزانه و زمان تشکیل مجمع عمومی کارگران ، شرکت کارگران در کلاسهای سوادآموزی جزء ساعات کار کارگران .

(۱۱) - ممنوع ساختن قطعه کاری - کارکنتراتی و دستمزد غیر نقدی .

(۱۲) - ممنوع ساختن کار کودکان و نوجوانان پائین تر از ۱۶ سال ، ممنوعیت بکارگرفتن نوجوانان در شبکاری و در صناعی که برای سلامتی مضرند و در معادن .

(۱۳) - مزد برابر برای زنان و مردان در ازای کار برابر .

(۱۴) - ممنوعیت کار زنان در کلیه رشته های صنعت که از نظر سلامتی برای زنان زیان بخش است . ممنوعیت شبکاری برای زنان ، مرخصی بمدت ۸ هفته قبل و ۸ هفته بعد از زایمان با پرداخت حقوق و با خدمات طبیبی و داروئی رایگان . تامین شیرخوارگاه برای نوزادان و کودکان در تمام کارخانه ها و دیگر موسسات که زنان در آنها کار میکنند . استراحت برای مادران شیرده

- بمدت حداقل نیم ساعت در فواصل حداکثر ۳ ساعت، کاهش روزکارمادران  
شیرده به هفت ساعت و تا مین مزایای بچه داری .
- ۱۵) - بیمه کامل اجتماعی برای کلیه کارگران و برای تمام اشکال ازکار-  
افتادگی اعم از بیماری، آسیب دیدگی، علیلی، سالخوردگی، بیماریهای محیط  
کار، زایمان، یتیم شدن، همچنین بیکاری و غیره .
- ۱۶) - پرداخت حق بازنشستگی از طرف دولت به کارگران سالخورده ای که  
توان کار خود را از دست داده اند (کارگران ۵۵ ساله به بالا و یا پس از ۲۵ سال کار)  
۱۷) - سپردن نظارت بر اداره امور ادارات کاریابی بتوسط سندیکا های  
سرخ کارگران یکسار .
- ۱۸) - ممنوع ساختن اخراج کارگران توسط کارفرمایان، واگذا رنمودن تصمیم  
نهائی در مورد اخراج به رای مجمع عمومی کارگران و ا حدمربوطه، نظارت  
نمایندگان منتخب کارگران بر استخدام .
- ۱۹) - ممنوع ساختن جریمه ها، پرداخت حقوق برای غیبتهای موجهه،  
دوران بیماری و نقاهت، زمان اعتماد و ازاین قبیل .
- ۲۰) - پرداخت خسارت، حقوق و مزایا در مورد کارگرانی که بر اثر سوانح و  
نامناسب بودن شرایط کار توانائی خود را کاملاً از دست میدهند بدون الزام  
در اثبات قصور کارفرما .
- ۲۱) - تضمین بهداشت و ایمنی محیط کار، تهیه ادوات ایمنی، کفش، لباس  
کار و سایر لوازم ایمنی و بهداشتی در محیط کار به هزینه دولت و کارفرمایان .
- ۲۲) - تأمین نیازهای فرهنگی و رفاهی در محیط کار و محلات مسکونی از  
قبیل سالن اجتماعات، سالن استراحت، غذاخوری، حمام و دستشویی، زمین  
وسالن ورزش، شیرخوارگاه و مهد کودک، درمانگاه و کتابخانه، کلاسهای  
سوادآموزی به هزینه کارفرما . این امکانات باید زیر نظر کارگران  
مربوطه قرار داشته باشند .

\*\*\*

۱۳- سندیکا های سرخ وظیفه خود میداند که کلیه خواستهای کارگران را  
در جهت بهبود شرایط کار و معیشت آنها با فرمولبندی صحیح مورد دفاع قرار  
دهد و در کلیه مبارزات مربوط به آنها فعالانه شرکت نماید . در قبال

خواستهای از قبیل " سودویژه " ، " طرح طبقه بندی مشاغل " و غیره سندیکا - های سرخ در این مبارزات شرکت کرده و تلاش میورزند رهبری آنها را بدست گرفته و در عین حال فرمولبندی صحیح و مناسبی به شعارهای این مبارزات ببخشند (مثلا سودویژه بخشی از دستمزدها را ست و تا زمانیکه به همه دستمزدها به اندازه ۳۵٪ اضافه نشده است، سالیانه ۴ ماه سودویژه با دید پرداخت شود و غیره) و آنها را از حالت شعارهای بورژوازی رفرمیستی که به انحراف مبارزات کارگران منجر میشود خارج سازند و به مجرای انقلابی بکشانند.

۱۴- بیش از سه سال از جنگ ارتجاعی ایران و عراق میگذرد. جنگ از همان آغاز در گرفتن آن یکی از مسائل مهم روزمره و عملی جنبش انقلابی بطور اعم و جنبش کارگری بطور اخص بوده است. تا کتیک پرولتاریای انقلابی در قبال جنگ کنونی یک چیز است: جنگ را بایسد به جنگ داخلی و انقلاب تبدیل نموده است! چنین اقدامی ممکن است بیدرنگ میسر نشود ولی کمونیستها با یستی بزرگترین کارتریجی - تبلیغی و سازمانی را در این جهت یعنی در جهت تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی و سرنگونی بورژوازی و محاء ماشین پروکراتیک - نظامی دولتی و انتقال قدرت دولتی به پرولتاریا و زحمتکشان مبدول دارند. چنین است یگانه سیاست پرولتاریائی در قبال جنگ حاضر.

رئوس اقدامات فوری سندیکا های سرخ بر علیه جنگ حاضر عبارت است از:  
الف - تبلیغات گسترده جهت افشای ماهیت جنگ ارتجاعی کنونی ، افشای اهداف دولت از جلب و اعزام کارگران و کمک های نقدی و جنسی به جبهه ها .

ب - افشاء و مبارزه علیه کسردستمزدهای کارگران بمنظور کمک مالی به جبهه های جنگ .

ج- مبارزه بر علیه اضافه کاری به بهانه جنگ و محاصره کاذب اقتصادی.  
د- تبلیغات در مورد شرایط مشا به کارگران و زحمتکشان عراق ، تقویت روح همبستگی و اشتراک منافع طبقات کارگرد و کشور ، افشای اقدامات جنایت کارانه سرمایه داران و دولتهای دوکشور عثیه کارگران هر دو کشور در جنگ .

۱۵- سندیکا های سرخ کارگری برای تحقق برنامه عمل خود به عمل مستقیم

و انقلابی توده های کارگرمتمکی است. سندیکا های سرخ دشمنان کارگران، جاسوسان و عمال دولت و کارفرمایان را که کوشش دارند در صفوف کارگران تفرقه انداخته، مبارزه آنها را منحرف سازند و علیه کارگران از هیچ اقدامی اجتناب نمیکنند، افشا و منفرد و طرد می نمایند و فعالیت آنها را به هر طریقی که لازم باشد، خنثی میسازند.

۱۶- سندیکا های سرخ با بیستی حتی المقدور علنی باشند. اختناق گسترده کنونی، تا لانگری و حشیا نه حکومت جمهوری اسلامی و بالاخره ممنوعیت تشکیل سندیکا ها و اتحادیه ها، امکان تشکیل سندیکا ها و اتحادیه ها را به شکل علنی ناممکن میسازد. لذا در لحظه حاضر تشکیل سندیکا ها و اتحادیه های سرخ تنها بصورت مخفی (ویا نیمه علنی) میسر است. از آنجائیکه توده وسیع کارگران فوراً قادر به کار بست همه جانبه اصول پنهان کاری نمیشوند، مخفی بودن سندیکا های سرخ وسیع و فراگیر بودن آنها را دشوار میسازد. امری که تا حدود بسیاری در لحظه حاضر اجتناب ناپذیر است. ولیکن در سایر مبارزات سر- سخنان کارگران هم دامنه نفوذ بین سندیکا ها فزونی خواهد گرفت و هم اینکه سرانجام قانونی و علنی بودن سندیکا های سرخ به کارفرمایان و دولت آنها تحمیل خواهد شد.

۱۷- سندیکا های سرخ بعنوان نخستین و مهمترین اقدام خویش با بیستی به ایجاد کمیته های اعتصاب و صندوق اعتصابات بپردازند. این کمیته ها رکن اصلی سندیکا های سرخ را تشکیل میدهند.

۱۸- اتحادیه سندیکا های سرخ کارگران بیکار نیز بخشی از اتحادیه سراسری سندیکا های سرخ خواهد بود. سرمایه داران میکوشند با استفاده از انبوه کارگران بیکار :

اولا - کارگران شاغل را دائم در معرض تهدید به اخراج و استخدام کارگران بیکاری که برای یافتن کار صرف کشیده اند دستمزد کارگران را کاهش داده، استثمار آنان را شدیدتر نمایند. بمنظور از کار انداختن این سلاح بورژوازی سندیکا های سرخ کارگران شاغل با بیستی ضمن مبارزه سر سخنان بر علیه ارجاهای دستجمعی و ضمن گردآوری کمک مالی برای کارگران بیکار از هیچگونه



